

## فهرست مطالب

## صفحه

۱۵۳	مؤسسه ابداعات اجتماعی (لندن)
۱۵۷	در زمینه‌های آموزشی: برگزاری کارگاههای ابداعات اجتماعی در مدارس
۱۵۹	در زمینه سیاسی: گفتگو درباره طرح اساسنامه اروپای شرقی
۱۶۰	در زمینه بهزیستی: مرکز مرگهای طبیعی
۱۶۱	در زمینه‌های صرفاً آینده‌گرا: شورای حمایت از نسلهای آینده
۱۶۶	مراجع

## مؤسسه ابداعات اجتماعی (لندن)

نیکلاس آلبری

دکتر رابرت یونگ فقید: "در حال حاضر، آینده به وسیله گروه کوچکی از مردم دنیا مورد استعمار قرار گرفته و شهروندان به سوی آینده‌ای می‌روند که توسط این نخبگان شکل گرفته است. من معتقدم که ما نباید چشم بسته به سوی این آینده برویم". وقتی به اتفاق چند نفر از دوستانم در سال ۱۹۸۵، مؤسسه ابداعات اجتماعی لندن را (به عنوان یک مؤسسه خیریه آموزشی) تأسیس کردیم، به نظر ما طبیعی بود که دکتر یونگ را برای ریاست آن انتخاب کنیم. هدف اولیه ما از ایجاد این مؤسسه، ترغیب و تشویق افراد به اصطلاح "معمولی" بود تا در طراحی ایده‌ها و پروژه‌های خلاقانه که می‌توانست کیفیت زندگی آیندگان را بهبود بخشد، مشارکت نمایند. همکاری که دعوت به این ماجراجویی را پذیرفتند نویسندگان خلاقانه همچون فای ولدون، کن کمپل، کولین ویلسون و کارآفرینان سنت‌شکنی همچون آنیتارودیک، ارنست هال و سرپیتراپرکر و متفکران و مشاورانی همچون ادوارد دبنو، تونی بوزان، پروفیسور چارلز بیر و پروفیسور چارلز هندی بودند.

برای نامگذاری مؤسسه، ما می‌توانستیم هم عنوان "نوآوری‌های اجتماعی" و هم "ابداعات اجتماعی" را انتخاب کنیم، زیرا ما هر چیز قابل ثبت اعم از فرآورده‌ها، وسایل و قطعات، و فرایندهای فنی را از حوزه کار مؤسسه خارج کرده بودیم. به جای آن تأکید ما بر ابداع ایده‌ها و نظراتی برای سازمانهای جدید، خدمات اجتماعی جدید، سیستمهای انتخاباتی جدید و راههای جدیدی برای ارتباط متقابل افراد بود. کارهای ماندگار میخائیل یانگ، یکی از همکاران مؤسسه و احتمالاً پرکارترین مبتکر اجتماعی بریتانیا، همان نوع کارهایی بود که ما به دنبال انجام آن بودیم. او بیانیه بلندپروازانه حزب کارگر بریتانیا را برای سال ۱۹۴۵ نوشت و در ایجاد انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان و مجله آن به نام "کدام؟" نقش مؤثری داشت. او نخستین کسی بود که مفهوم "دانشگاه باز" را ابداع کرد و کتابی تحت عنوان "شایسته سالاری" نوشت. او

سازمانهای کوچک زیادی را تأسیس کرد که از جمله می‌توان به سازمان قطارهای عقل (کانونهای مطالعه بر روی مسافرانی که به‌خاطر مسافرت هر روزه بین محل کار و منزل خسته و بی‌حوصله شده‌اند) و انجمن پایبندی به خانواده اشاره کرد.

اصطلاح "ابداعات اجتماعی" سابقه جالبی به‌خصوص در آمریکای شمالی دارد و اولین بار در ادبیات موضوعی دهه ۱۹۲۰ به‌کار رفته است. یکی از صاحب‌نظران ابداعات اجتماعی جورج فیرودر<sup>۱</sup> است که در کتاب معروف خود "دگرگونی اجتماعی؛ چالش برای بقا" ابداعات اجتماعی را به‌عنوان بدیل انقلاب تجویز کرده است.

فیرودر خاطر نشان کرده که ادامه حیات بر روی کره زمین بیش از هر زمان دیگر در معرض تهدید قرار گرفته و نهضت‌های عاری از خشونت هم نتوانستند دگرگونیهای اجتماعی لازم را پدید آورند. به عقیده او باید سازمانهای ارتقادهنده‌ای در جامعه وجود می‌داشت که از عهده رشد پیوسته، نه انقلاب مستمر، برآیند و کارشان حل مداوم مسأله دگرگونی اجتماعی باشد. یعنی اینکه مسائل را تشخیص داده، جوابهای مناسب را پیدا کرده، پروژه‌های آزمایشی را به اجرا درآورده، و نتایج آنها را در جامعه اشاعه دهند. این اظهارات مثل این بود که او سرگرم طراحی نقشه کار مؤسسه ما بوده است؛ هرچند که ما وقتی از آنها مطلع شدیم می‌خواستیم کارمان را شروع کنیم.

یکی دیگر از پیشگامان ابداعات اجتماعی، استارت کانگر از آمریکای شمالی و نویسنده کتاب مشهور "ابداعات اجتماعی" است. وی پیشینه ابداعات اجتماعی را از دورانهای ماقبل تاریخ ردیابی کرده و خاطر نشان می‌کند که ازدواج، پول، حقوق و مدرسه، همه و همه زمانی در زمره ابداعات اجتماعی بوده‌اند. کانگر می‌نویسد:

"دولتها در زمینه‌هایی همچون تحقیقات پزشکی، الکترونیک یا شیمی نیاز به حمایت از مؤسسات تحقیقاتی را تشخیص داده و آنها را حمایت کرده‌اند. اما هرگز چنین حمایتی از پژوهشها و آزمایشهای لازم برای حل مشکلات اجتماعی مانند فقر، بیکاری، تعارضهای نژادی، اعتیاد، جنایت، بیماریهای روانی، درگیریهای کارگری، ضعف آموزش و نابودی بنیان خانواده صورت نگرفته است. بخشی از مشکل به این خاطر است که دانشمندان علوم اجتماعی باور چندانی به ایجاد ابداعات اجتماعی ندارند و ترجیح می‌دهند نقشی منفعل و تحلیلی داشته باشند."

اشتباه دیگر - به عقیدهٔ او - این است که سازمانهای دولتی از رویکرد جذاب دنیای کسب و کار پیروی نمی‌کنند و مانند سازمانهای غیر دولتی عاشق نوآوری نیستند. به عبارت دیگر سازمانهای دولتی که متولی خدمات اجتماعی هستند می‌بایست سبک خشک، بی‌روح و تنبیهی خود را رها کرده و برخوردشان با کهنگی مثل برخورد یک شرکت خودروسازی باشد، که دائماً به فکر ارائه مدلهای بهتر و پیشرفته‌تر است. به این ترتیب، کانگر دو مانع عمده را که در مقابل سازمانهایی چون مؤسسهٔ ابداعات اجتماعی ما قرار دارند شناسایی کرد: فقدان یا کمبود بودجه و ردّ ایده‌های جدید به وسیلهٔ اولیای امور (درست مثل بدن که یک عمل پیوند را پس می‌زند، اولیای امور نیز معمولاً هر نوع نوآوری را به این بهانه که "در اینجا ابداع نشده است" رد می‌کنند).

روش مؤسسه ما برای فائق آمدن بر این موانع این است که دولت را به پذیرش پیشنهادهای خود ترغیب نمی‌کند، بلکه بر طرحهای معمولی‌تر در سطح همسایگی<sup>۱</sup> تمرکز کرده و می‌کوشد تا هزینه‌های اجرایی پروژه‌های خود را به حدی کاهش دهد که حداقل بودجه لازم باشد. و در عین حال، مترصد ابداعات اجتماعی نادری است که می‌تواند پول‌ساز بوده و از بقیهٔ پروژه‌های هزینه‌بر، پشتیبانی نماید.

رویکرد همسایگی با ایدئولوژی مؤسسه که در شعار "برای ملتهای کوچک، جوامع کوچک و مقیاس بشری" خلاصه می‌شود، همخوانی دارد. مؤسسه ما خط فکری پروفیسور لیپولد کور<sup>۲</sup> را دنبال می‌کند که اولین بار در کتابش به نام "نابودی ملتها" به آن اشاره کرده است. او خاطرنشان کرده که دغدغهٔ اصلی امروز ما نباید آلودگی، نابودی منابع، ازدیاد جمعیت، خطرات اتمی، فقر، بیکاری یا جنایت باشد؛ بلکه باید نگران مقیاس وقوع این مشکلات باشیم. در جوامع انبوه ما همه چیز رو به نابودی شدید دارد، که نتیجهٔ طبیعی و گریزناپذیر ساختاری است که به طرز فاحشی از مقیاسهای بهینهٔ خود فراتر می‌رود. بنابراین، تا وقتی که مقیاس جوامع ما کاهش نیابد، هیچ‌یک از مشکلات اجتماعی قابل حل نخواهد بود. الگوی کامل و تمام‌عیار در این زمینه (لااقل از نظر سیاسی اگر نه از نظر اقتصادی) سوئیس است. جمعیتی کوچک با ساختاری فدرال یا کنفدرال (و حتی فاقد وزارتی برای آموزش؛ زیرا این امر به شهرهای آن واگذار شده است) و با روستاهایی که در کانتانها<sup>۳</sup> قرار دارند. هم روستاها و هم کانتانها از طریق تصمیم‌گیری به وسیلهٔ همه‌پرسی تا حدی از آزادی عمل برخوردارند. اما اگر این کاهش در ابعاد اتفاق بیفتد، باز تضمینی وجود ندارد که بتوان به‌طور موفقیت‌آمیزی از پس مشکلات

1 - Neighborhood level

2 - Leopold Kohr

۳- از تقسیمات کشوری سوئیس

اجتماعی برآمد. بدیهی است که در سالهای اخیر شاهد چند نمونه از ملتهای کوچک بوده‌ایم که با اختلاف نظرهای شدید و ستمگریهای وحشتناکی روبه‌رو بوده‌اند. اما حداقل این است که یک ملت با ابعاد کوچک امکان ارائه یک راه‌حل را بوجود می‌آورد و این معنا را افاده می‌کند که افراد "معمولی" هم می‌توانند کم‌کم قدرت بگیرند و احساس کنند که قادرند از طریق قدرت شخصی خود تأثیر چشمگیری بر جای بگذارند. ناتوانی بسیاری از افراد در ارتباط با آینده، بدین علت است که مشکلات زیادشان آنها را مستأصل کرده و به این نتیجه می‌رسند که هر تلاشی که می‌کنند گام بسیار کوچکی بوده و تأثیری در ایجاد دگرگونی اجتماعی ندارد. در صورتی که در یک جامعه کوچک، هر گروه دو یا سه نفری، که خیرخواه جامعه بوده و برخوردار از انرژی و پشتکار باشند، به تدریج احساس می‌کنند که می‌توانند حداقل کوههای کوچک را جابه‌جا کنند. مؤسسه ما نیز خودش را در چنین وضعیتی می‌بیند.

در چند سال اول، مؤسسه به جمع‌آوری ایده‌ها و نظرات از سراسر جهان و انتشار بهترین آنها پرداخت. مؤسسه هر سال مسابقه‌ای را برگزار کرده، از تمام مردم در اقصا نقاط جهان می‌خواهد تا حداکثر در هزار کلمه، نظرات و پروژه‌های خود را برای پیشرفتهای اجتماعی به مؤسسه ارسال نمایند. در شبکه بین‌المللی ما افرادی وجود دارند که جزئیات طرحها و پروژه‌هایی را که در رسانه‌های محلی توجهشان را جلب می‌کنند، برای مؤسسه ارسال می‌دارند. سپس مؤسسه به بهترین طرحها لوح افتخار یا جایزه نقدی می‌دهد و آنها را منتشر می‌کند. برای ارزیابی طرحها - به تناسب هر طرح - از سؤالهای زیر استفاده می‌شود:

- آیا طرح، جدید، ابتکاری و شدنی است؟

- آیا واجد نشانه‌هایی از پیشرفت هست؟

- آیا می‌تواند الگویی برای طرحهای دیگر در جاهای دیگر باشد؟

- آیا مبتنی بر اجتماع است؟

- آیا بر تعداد زیادی از مردم تأثیر خواهد گذاشت؟

- آیا اثرات آن دراز مدت خواهد بود؟

این فرآیند جمع‌آوری نظرات منتهی به "بانک ایده‌های جهانی" شد که یک "صندوق بین‌المللی پیشنهادات" است. این بانک از جولای ۱۹۹۵ بر روی اینترنت قابل دسترسی است.<sup>۱</sup> و هر کسی می‌تواند ایده‌های خود را ارائه نماید. این بانک مبتنی بر انتشارات سابق مؤسسه از جمله چندین چاپ مختلف از دایرةالمعارف ابداعات اجتماعی تحت عنوان "کتابچهٔ بینشها"<sup>۲</sup> است. (و از وقتی که آخرین بار به شکل یک کتاب ۲۸۰ صفحه‌ای تحت عنوان "جامعهٔ باز آفرین"<sup>۳</sup> منتشر شد، هر ساله ضمیمه یا متممی به آن افزوده شده است). در این مجلدات بیش از دو هزار مورد از بهترین ایده‌ها به همراه آدرس و مشخصات و جزئیاتی در مورد نحوهٔ برقراری ارتباط با صاحبان آنها توصیف و تشریح گردیده است. تعدادی از این ایده‌ها به صورت تک‌نگاشت یا کتابچه ارزش چاپ پیدا کردند که مؤسسه حدود سی تا از آنها را منتشر کرده است. به‌عنوان مثال، یکی از آنها در مورد نحوهٔ ایجاد یک باغ جنگلی و ایدهٔ دیگر در مورد چگونگی راه‌اندازی یک نظام همسایگی چندمبادله‌ای مبتنی بر کامپیوتر بود (که فراتر از طرحهای فعلی LETS است).

مؤسسه در سالهای اخیر علاوه بر برگزاری مسابقه و انتشار ایده‌ها، گامی فراتر نهاده و بعضی از بهترین ایده‌ها را به عنوان پروژه‌های واقعی اجرا کرده است. مؤسسه می‌کوشد هر سال چهار پروژهٔ اصلی را شروع کند. بدین منظور، متصدیانی وجود دارند که اقدام به انتخاب و گزینش ایده‌هایی می‌کنند که زمان اجرایشان فرا رسیده است. بعد از آن باید بودجهٔ اجرای این پروژه‌ها را از پی‌ریزی گرفته تا گزینش افراد و اجرای آنها (که غالباً دشوارترین بخش است) تهیه کرده و سپس مراقب و پی‌گیر پروژه‌ها باشند (که اموری همچون شکل‌دهی به ایده، فراهم نمودن ایده‌ها و سوابق، فضای اداری، و خدمات حسابداری و غیره را شامل می‌شود) تا پروژه بتواند به‌عنوان یک موجودیت مستقل روی پای خود بایستد. در اینجا به ارائهٔ نمونه‌هایی از طرحهای مورد علاقهٔ خود می‌پردازم که بدین منوال پی‌گیری شده‌اند.

## در زمینه‌های آموزشی: برگزاری کارگاههای ابداعات اجتماعی در مدارس

در حقیقت این اولین پروژهٔ ما بود که هم‌اکنون موضوع دستنامه‌ای پیرامون نحوهٔ ادارهٔ چنین نشست‌هایی (با عنوان کارگاههای ابداعات اجتماعی) در مدارس است. تاکنون بیش از

۱- آدرس آن از این قرار است: <<http://www.newciv.org/world trans/GIB/>>

2 - The Book of Visions

3 - Re – Inventing society

۴۰۰۰ نشست از این نوع و عمدتاً در مدارس منطقه لندن برگزار شده است. در این کارگاهها دانش‌آموزان ترغیب می‌شوند تا به مسائلی که در زندگی خانوادگی، در میان همسایه‌ها و در مدارس خود با آنها روبه‌رو می‌شوند توجه کرده، یکی از آنها را برای ترم تحصیلی انتخاب نموده و مورد بررسی قرار دهند. پس از آن، روش "طوفان مغزی"<sup>۱</sup> را یاد می‌گیرند و تشویق می‌شوند تا نامعقول‌ترین و خنده‌دارترین طرحی را که دواکننده دردی باشد، پیشنهاد نمایند. این طرح باید به اندازه کافی "تخیلی" باشد تا در رسانه‌های گروهی محلی مطرح شود. به این وسیله انگیزه و هیجان فوق‌العاده‌ای برای ارائه کار در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. در مقطعی از کار، دانش‌آموزان به ترسیم یک "طرح اقدام" جدی‌تر می‌پردازند، که ما آنرا در پایان ترم و با استفاده از فهرست پرسشهایمان ارزیابی می‌کنیم و به آنها نمره قبولی یا ردی می‌دهیم. بقیه ترم صرف اجرای پروژه می‌شود. در همایش پایان سال تحصیلی، که دانش‌آموزان "گواهینامه خلاقیت کاربردی" دریافت می‌کنند، گزارشی از عملکرد یا نمایشگاهی از طرح خود ارائه می‌کنند.

در یکی از این کارگاهها، دانش‌آموزان ۱۱ ساله منطقه پادینگتون لندن آلوده‌شدن پیاده‌روها با مدفوع سگها را به عنوان مسأله خود انتخاب کردند. در واکنش به این مسأله، آنها یک تیم عملیاتی برای پاکسازی خیابانهای اطراف مدرسه به‌راه انداختند و بعد، در حالی که پلاکاردهایی در دست داشتند، شروع به تظاهرات کرده و شورای شهر را تحت فشار قرار دادند. این اقدامات نهایتاً منجر به این شد که بریتانیا برای نخستین بار موتورهای را از فرانسه وارد کند که در پیاده‌روها حرکت کرده و نجاسات سگها را جارو نمایند. در کارگاهی دیگر، دانش‌آموزان کم‌آموز ۱۴ ساله در مدرسه‌ای در شرق لندن، مشکلاتی را که با پلیس محلی داشتند، به عنوان مسأله خود برگزیدند و کارشان را با تهیه فیلمی ویدئویی راجع به سرقت مغازه‌ها - برای نمایش در مدارس اطراف - به پایان رساندند. آنها کارشان را با تهیه تصاویری از خودروهای پلیس و چراغهای چشمک‌زن، دستگیری سارقان، زندانهای پلیس، دادگاه و قاضی تکمیل کردند. در نهایت با عزت نفس بیشتر و تازه‌تری که نتیجه اجرای پروژه و احساس همکاری با پلیس بود (این احساس از مساعدت پلیس در جریان ساخت فیلم نشأت گرفته بود) گزارش خود را به اتمام رساندند.

۱- برای آشنایی بیشتر با این روش، که کاربرد گسترده‌ای در حل مسایل سازمانی دارد، به مرجع زیر نگاه کنید: بوشهری، علیرضا، عقیل ملکی فر. "بهره‌وری سازمان‌ها و واحدهای تحقیقاتی". تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۷۷. صفحات ۱۰۳ تا ۱۰۹.

## در زمینه سیاسی: گفتگو دربارهٔ طرح اساسنامهٔ اروپای شرقی

سالها قبل از فروپاشی شوروی، ما همایشهایی را دربارهٔ تجزیهٔ شوروی و بهترین راه کنار آمدن با این رویداد اجتنابناپذیر برگزار می‌کردیم. همچنین، سالها پیش از بروز مشکلات بوسنی، توجه خود را به گریزناپذیری جنگ داخلی در بالکان معطوف کرده بودیم. سرانجام، در سال ۱۹۹۰، ما دولت سوئیس را وادار کردیم تا میزبانی همایشی را در لوزان برای سیاستمداران و دانشگاهیان برجسته از تمام اروپای مرکزی و شرقی بپذیرد. موضوع این همایش بررسی طرحهای ابتکاری برای قانونهای اساسی و نظامهای انتخاباتی بود که می‌توانست از وقوع آشوبهای نژادی جلوگیری نماید. بعد از مدتی در همان سال، دولت مالت شورای اروپا را ترغیب کردیم تا مشترکاً میزبانی یک همایش تکمیلی پیرامون همین موضوع را بپذیرد. که سرانجام با حضور سیاستمداران برجسته و قدرتمند و سایر افراد برگزار شد. این اولین باری بود که هیأتی از ملت‌های نوظهور همچون استونی و اسلوانی در یک گردهمایی رسمی و بین‌المللی مورد شناسایی قرار می‌گرفتند. بحثها و گفتگوها (به‌ویژه آنهایی که حول شیوهٔ سوئیس حفاظت غیرمتمرکز از اقلیتهای نژادی دور می‌زد) قطعاً بر هیأت‌های شرکت‌کننده که بسیاری از آنها در گیرودار طراحی قانون اساسی و نظام انتخاباتی خود بودند، مؤثر بود. همایش دریافت که جلسهٔ بحث و تبادل نظر راجع به طرح اساسنامهٔ اروپای شرقی وسیله‌ای است تا شبکه‌ای از کارشناسان غربی و شرقی برای مبادلهٔ رهنمودها و کمک به یکدیگر به‌وجود آید. مؤسسه ما از آن زمان به بعد گردهمایی‌هایی پیرامون طرح دمکراسی (که در سوف‌فولک بریتانیا برگزار می‌شود، و همان نوع رهنمودها و توصیه‌ها را برای کشورهای سایر مناطق ارائه می‌کند) و سیستمهای انتخاباتی متناسب با نیازهای ایرلند شمالی، آفریقای جنوبی و نقاط بحران‌خیز دیگر را آغاز کرده است. نتیجهٔ این گردهماییها، سه کتاب برجسته است که زیر نظر مسؤول همایش طرح دمکراسی، دکتر داوید چاپ‌من، تدوین شده و با عناوین "دمکراسی فوری"، "آیا می‌توان از وقوع جنگهای داخلی جلوگیری کرد؟" و "بازآفرینی دمکراسی" منتشر شده است.

## در زمینهٔ بهزیستی: مرکز مرگهای طبیعی

لااقل انگلیسی‌ها به این خرافه معتقدند که عمر انسان با فراموش کردن مرگ درازتر می‌شود.  $\frac{2}{3}$  انگلیسی‌ها حتی در نوشتن وصیت‌نامه خود طفره می‌روند. در همین زمینه شرکت سینزبری به نقل از یکی از کارکنانش می‌گوید که وی به شرکت توصیه کرد که خوب است تابوتهای مسطح و بزرگ بسازیم و بفروشیم، و شرکت پاسخ داد که "ما تابوت نمی‌فروشیم؛ زیرا انبارهای ما برای خرید محصولاتی که مردم در آینده به آنها نیاز دارند، در نظر گرفته شده است، و نه برای پس از مرگ آنها". در حالی که مرگ امری قطعی است و تمامی خانواده‌ها در آینده آن‌را تجربه می‌کنند! مؤسسه ما برای مقابله با این‌گونه فراموشکاریها "مرکز مرگهای طبیعی" را برای حمایت از خانواده‌هایی که فرد مشرف به موتی را نگهداری می‌کردند، تأسیس کرد. امروزه با نابودی خانواده گسترده و از دست رفتن حس همسایگی (!) در میان مردم، مردن در خانه روزبروز برای افراد دشوارتر می‌شود. هرچند که بنابه بررسیهای انجام شده، اکثر مردم آروز می‌کنند که در خانه بمیرند. این مرکز به افراد داوطلب آموزش می‌دهد تا به خانه‌های افراد مشرف به موت بروند و پرستاران آنها را یاری نمایند. اما نقش ثانویه آنها نیز حائز اهمیت است؛ به این معنا که پزشکان و کشیشها را تحت فشار قرار می‌دهند تا برای مناطق و نواحی اطراف خود یک شبکه غیر رسمی مراقبت و مواظبت از بیمارانی که در آن حوالی زندگی می‌کنند، ایجاد نمایند. و از این معتمدین محلی می‌خواهند تا از نفوذی که به‌عنوان مشاور و پیشرو مردم دارند استفاده کرده و اهالی محل را برای مراقبت از بیماران در حال احتضار آماده نمایند.

"مرکز مرگهای طبیعی" نمونه‌ای از نیاز مبرم به انعطاف‌پذیری در انتقال بینشهاست. شما بینشی دارید اما بینش شما با بینشها، نیازها و خواسته‌های دیگران در تعارض قرار می‌گیرد. اگر شما انعطاف‌پذیر باقی بمانید، نتیجه‌ای که در مجموع به‌دست می‌آید این است که شما به موجود کاملاً جدیدی تبدیل می‌شوید.

بدین ترتیب مرکز به این نکته پی برد که خانواده‌هایی که از یک بیمار رو به موت نگهداری می‌کنند، مایل نیستند که وی را پس از مرگ به دست غریبه‌ها بسپارند؛ بلکه می‌خواهند خودشان متولی مراسم تدفین باشند. در حال حاضر این مرکز (که قصد داشت هرگز به مراسم تدفین نپردازد) هر هفته به بیش از ۵۰۰ نامه از خانواده‌هایی که راجع به مراسم تدفین سؤال می‌کنند، پاسخ می‌دهد و مجبور شده تا در زمینه‌های گسترده‌ای چون تدفین در حیاط خلوت، تدفین در جنگل، تدفین در دریا، و ساخت تابوتهای مقوایی و غیره به تربیت کارشناس بپردازد. مؤسسه با انتشار دو کتاب به نامهای "راهنمای کاربردی مرگهای طبیعی" و "تدفین برای افراد

بی تجربه - خودآموزی برای آموزش قانون و اجرای آن" و با دادن جایزه به بهترین متصدیان کفن و دفن، گورستانها، مرده‌سوزگاهها و تأمین‌کنندگان وسایل تدفین، واکنش مثبتی از خود نشان داده است. همچنین انجمن "حافظ طبیعت" را تأسیس کرده است که از کشاورزان و مقامات محلی می‌خواهد تا محل‌های بخصوصی را در نظر گرفته و به‌جای سنگ قبر، بر روی هر قبر درختی بکارند (که بدین ترتیب مشکل گورستانهای پرمرده و ضرورت کاهش مرده‌سوزگاههای آلوده‌کننده نیز حل می‌شود). خانواده‌ها نیز می‌توانند بدون کمک متصدیان تدفین به دفن مردگان خود بپردازند، زیرا هر تکه زمین مخصوص دفن مرده لزوماً بایستی تابوت مقوایی یا کفن را در دسترس عموم قرار دهد.

## در زمینه‌های صرفاً آینده‌گرا: شورای حمایت از نسلهای آینده

مبتکر این ایده، پروفیسور ریچارد اسکورر (ریاضیدانی در کالج سلطنتی) و برندهٔ جایزهٔ اصلی مؤسسه در سال ۱۹۹۰ بود. وی اصلاً در موقعیتی نبود که خودش بتواند چنین شورایی را راه‌اندازی کند و گفته بود که چنین شورایی نیازمند صدها هزار پوند پول دولت است. اما مؤسسه تصمیم گرفت تا آن‌را با حداقل بودجه راه‌اندازی کند. هدف مؤسسه این بود که در نقش دفاع از نسلهای آینده ظاهر شود. اسکورر در این خصوص می‌گوید:

شورای دفاع از نسلهای آینده باید نقش راهنمای نسلهای آینده را ایفا کرده و مرکب از افرادی باشد که می‌توانند عمیقترین اندیشه‌هایشان را به این موضوع اختصاص داده و از تمام قوای موجود سود جویند تا نسل حاضر را از مسیرها و روندهای کوتاه‌بینانه‌اش دور کنند. شورا باید توجه خود را به احتمال بروز کمبودهای گستردهٔ منابع، گرسنگی، و رشد غیرقابل کنترل جمعیت بشر و تعارض آن با امید به آزادی در آینده معطوف نماید.

شورای دفاع از نسلهای آینده باید شامل حقوقدانانی باشد که نقش نمایندهٔ نسلهای آینده را در برنامه‌ریزی‌های کنونی توسعه با پیامدهای مخوف بالقوه و درازمدت آن بازی می‌کنند. همین

دلیل است که از میان پانزده عضو شورا، دو نفرشان حقوقدان هستند. بقیه نیز از میان سرشناسانی انتخاب شدند که وجهه و احترام کشوری داشتند. به عنوان مثال، رمان‌نویسانی چون دوریس لیسنگ<sup>۱</sup> و سرویلیام گلدینگ<sup>۲</sup>، و برین آلدیس<sup>۳</sup> نویسنده داستانهای علمی تخیلی، جان سیمور، و تدی گلدسمیت (اکولوژیست مشهور) از اعضای شورا هستند. فعالیتهای شورا تاکنون مثل بودجه آن کم و ناچیز بوده است. این شورا به‌عنوان مسؤول ارتباطات ملی بریتانیا با یک شبکه جهانی مستقر در مالت (که در زمینه "وظایف ما در قبال نسلهای آینده" فعالیت می‌کند) محسوب می‌شود. و مجله "نسلهای آینده" را در بریتانیا توزیع می‌کند. هربرت گیراردت و دیگر اعضای انجمن مقالاتی راجع به موضوعاتی مرتبط با آینده، از جمله سازماندهی یک گفتگوی آکادمیک برای صد نفر به هنگام صرف شام در مهمانسرای در لندن، نوشته‌اند. اعضای شورا به‌عنوان نماینده بریتانیا در کنفرانسهای جهانی آینده‌گرا حضور یافته‌اند. مؤسسه با کمک مالی بنیاد کالوست‌گال بنکیان<sup>۴</sup>، پروژه‌ای با عنوان "عمران یک قطعه زمین"<sup>۵</sup> را در مدارس بریتانیا آغاز کرده است که جزئیات آن در ۳۳۰۰۰ مدرسه توزیع شده است.

پروژه "عمران یک قطعه زمین" مستلزم ترغیب دانش‌آموزان یک کلاس به گرفتن یک قطعه زمین متروکه یا مخروبه در مجاورت مدرسه است. و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا خودشان را به عنوان نگهبانان آن قطعه زمین در نظر آورند. سپس دانش‌آموزان لباسهای همگون یا تی‌شرتها یا پلاکهای برای خودشان طراحی کرده و طرحهای مختلانه‌ای را برای عمران زمین مورد نظر می‌پروارند. شورای دفاع از نسلهای آینده به بهترین طرحها جایزه می‌دهد.

ایده‌ای که در ورای پروژه مزبور نهفته، این است که ما همگی بایستی نگهبان و محافظ خانه‌های مجاور خانه خود باشیم، و زمان مناسب برای القای این احساس، زمان قبل از بلوغ است. چنانچه بتوانیم این احساس را در جوانان ایجاد کنیم، آنها می‌توانند تأثیری بدیع و مثبت بر محیط اطرافشان داشته باشند. احتمال اینکه هنگام بلوغ و آنگاه که تحت تأثیر هورمونها و روحيات گانگستری قرار می‌گیرند، دست به تخریب وسایل و اشیاء بزنند، بسیار کاهش می‌یابد. البته اخیراً گروهی از برندگان جایزه ما از بچه‌های بزرگتر خواستند تا آنچه را که آنها ساخته

1 - Doris Lessing

2 - Sir William Golding

3 - Brain Aldiss

4 - Clouste Gulbenkian Foundation

5 - Adopt - a - Planet

بودند، تخریب نمایند. آنها دوباره آنرا تعمیر کردند اما این بار احتیاط کرده و با دادن توضیحی راجع به پروژهٔ خود و اینکه چقدر از آن محافظت کرده و به آن دلبستگی دارند، تفریح دانش‌آموزان دبیرستانی را زیر نظر گرفته و به دانش‌آموزان بزرگتر در این باره هشدار دادند. بلندپروازانه‌ترین طرح شورای دفاع از نسلهای آینده تاکنون، کمک به ورود "برنامهٔ گام طبیعی" از سوئد به بریتانیا بوده است. این برنامه، پروژه‌ای بود که به وسیلهٔ دکتر کارل هنریک روبرت، متخصص سرطان، آغاز گردید. او تمامی دانشمندان مشهور و مورد احترام سوئد را گرد هم آورد؛ که متفقاً سندی در مورد مشکلات محیط زیست و مهمترین راهکارهای عملی آن نگاشتند و بعداً پادشاه سوئد، صاحبان صنایع و رسانه‌های گروهی از آنها حمایت کردند. این سند برای تمامی خانواده‌های سوئد فرستاده شد. و ره‌آوردش این بود که بسیاری از کمپانیهای بزرگ بین‌المللی (مثل IKEA) طرفدار حفاظت محیط زیست شدند و مقالاتی پیرامون سیاستگذاری در زمینهٔ انرژی و عناوین دیگر بین نمایندگان مجلس توزیع شد و پارلمانی متشکل از جوانان طرفدار حفظ محیط زیست به‌وجود آمد. در بریتانیا پشتیبان و حامی اصلی این پروژه تا به امروز، یکی از صاحبان صنایع به نام جان پونتین است. ما هنوز روزهای اول را پشت سر می‌گذاریم و باید به انتظار نشسته، ببینیم که آیا این پروژه ریشه خواهد گرفت یا نه.

شورای حمایت از نسلهای آینده در نگارش بیانیه‌ای پیرامون حقوق نسلهای آینده نیز مشارکت کرده است. واژگان نسخهٔ اولیهٔ این بیانیه، ملهم از کوششهای مالت بود. اما سرانجام به این نتیجه رسیدیم که متن ما باید قدری شاعرانه‌تر باشد تا همهٔ افراد بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. نتیجهٔ آن، بیانیهٔ زیر بود:

### بیانیه حقوق نسلهای آینده

آنهایی که پس از ما خواهند آمد، صدایشان به گوش ما نمی‌رسد؛ پس ما حقوق آنان را اعلام کرده و به رسمیت می‌شناسیم

ما سیاره‌ای را از خود به ارث می‌گذاریم که برای غنا، زیبایی و پرگونگی آن احترام قائلیم

سیاره‌ای که

هوا یا جو آن زندگی‌بخش و مطلوب است و می‌تواند برای سالیان سال همین‌طور باقی بماند

سیاره‌ای که از

منابع آن به دقت نگهداری شده و گونه‌های زندگی در آن همچنان متنوع باقی خواهد ماند

سیاره‌ای که

خاک آن از فرسایش در امان مانده باشد، و آب و خاک آن از مواد زائد زندگی ما مسموم نشده باشد

سیاره‌ای که

مردم آن فناوریهای خود را با احتیاط به کار می‌گیرند و پیامدهای درازمدت آن را در نظر دارند

سیاره‌ای که

مردم آن در جوامعی کوچک زندگی می‌کنند و با جمعیت زیاد غارت نمی‌شود

سیاره‌ای که

منافع نسلهای آینده آن نیز مدنظر است و در محافل تصمیم‌گیری امروز از آن منافع نیز پاسداری می‌شود

بعضی وقتها افرادی یافت می‌شوند که در اولین واکنش تحقیرآمیز نسبت به شورای ما می‌گویند: "مگر نسلهای آینده تا کنون برای ما چه کرده‌اند؟"؛ و شورا در جواب اینها می‌گوید: "نسلهای آینده به شما یک آرمان نوع‌دوستانه مستقل از سن، جنس، خانواده، اعتقاد و ملیت می‌بخشند که زندگی آرمانی‌تر و پرمعناتری را برای شما به ارمغان می‌آورد".

آنچه اشاره شد، تنها مشتی از خروار بود که گوشه‌ای از فعالیت‌های مؤسسه ابداعات اجتماعی را نشان می‌دهد. فعالیت‌های بسیار دیگری نیز انجام شده که من فوق‌العاده به آنها مباحثات می‌کنم. مثلاً:

۱. تأسیس صندوق جهانی پیشنهادات که از طریق اینترنت قابل دسترسی است و در آنجا مشترکین می‌توانند ایده‌ها را ارزیابی کنند. به طوری که افراد تازه‌کار بدون آنکه مجبور باشند در دریایی از اطلاعات فرو بروند، می‌توانند به بهترین اطلاعات دست یابند؛
۲. تدوین سوگندنامهٔ بقراط برای دانشمندان، مهندسان و مدیران عالی‌رتبه که به وسیلهٔ ۳۵ تن از برندگان جایزهٔ نوبل امضا شده و در بعضی از جشنهای فارغ‌التحصیلی دانشگاهی استفاده می‌شود؛
۳. تشکیل اتحادیهٔ کارآموز - استادکار که فارغ‌التحصیلان دبیرستان را با کسانی که به تازگی موفق به دریافت لیسانس شده‌اند، بر مبنای یک برنامهٔ طولانی مدت با یکدیگر مرتبط می‌کند.

گاهی مردم از مؤسسه ما می‌پرسند که چگونه می‌توان به یک مبتکر در زمینه‌های اجتماعی تبدیل شد؟ پاسخ من این است که نه تنها باید در جستجوی ایده‌هایی باشید که الهام‌بخش شما باشند، بلکه بایستی هر مشکلی را در زندگی به عنوان فرصتی برای خلاقیت اجتماعی تلقی کنید. ما همیشه در مؤسسه از خود می‌پرسیم: "چگونه می‌توانیم این مشکل خاص و شخصی را به گونه‌ای حل کنیم که حل مشکلات مشابه را برای سایر مردم در آینده امکانپذیر نماییم؟" به‌عنوان مثال، ما تعدادی از خانمهای شاغل را می‌شناختیم که سن آنها بیش از سی سال بود اما به‌خاطر غرق شدن در شغل خود، مجرد باقی مانده بودند. یکی از زیرمجموعه‌های مؤسسه ما می‌توانست در یافتن همسر به این خانمها کمک کند. ما نوجوانانی لایق و با روحیه را می‌شناختیم که شغل نداشتند. از این رو اتحادیهٔ کارآموز - استادکار می‌توانست یار و یاور آنها باشد. مرگهایی در منازل اتفاق می‌افتاد که خانواده‌ها از اطلاعات و پشتیبانی کافی درخصوص آنها برخوردار نبودند. از این رو مرکز مرگهای طبیعی را ایجاد کردیم.

هم‌اکنون مؤسساتی برای ابداعات اجتماعی در سوئد، روسیه، آلمان و هلند بر اساس الگوی ما به‌وجود آمده‌اند \* . اگر مسأله‌ای در کشور شما هست که هنوز حل نشده، خوب است خود شما دست به کار شده و مؤسسه‌ای برای حل آن ایجاد نمایید. تنها چیزی که می‌خواهید،

یافتن چند دوست همفکر است. بعضی اوقات، احساس می‌کنم که من کمی شبیه یک پوستر استخدامی هستم: "کشور شما (هر کشوری که هست) به شما و ایده‌های شما سخت نیازمند است! و همین‌طور نسل‌های آینده به شما و ایده‌های شما نیاز دارند".

\* برای اطلاعات بیشتر با آدرس زیر تماس بگیرید:

The Institute for Social Inventions, 20 Hebert Road, London NW2 6AA ,  
UK (tel 44 181 208 2853; Fax: 44 181 452 6434.)

## مراجع

- 1- Albery, Nicholas (1986) "Social Invention Workshops". London: Institute for Social Inventions.
- 2- Albery, Nicholas (1992) "The Book of Visions. London: Virgin Books.
- 3- Albery, Nicholas and Mezey, Matthew (1994) "Re-Inventing Society". London Institute for Social Inventions.
- 4- Albery, Nicholas et al. (1993) "The Natural Death Handbook". London: Virgin Book.
- 5- Bradfield, John (1994) "Green Burial - The DIY Guide to Law and Practice". London: The Natural Death Centre.
- 6- Chapman, Dr David (1990) "Instant Democracy - Constitutional Proposals for Emerging Democracies". London: Institute for social Inventions.
- 7- Chapman, Dr David (1991) "Can Civil Wars Be Avoided?". London: Institute for social Inventions.
- 8- Chapman, Dr David (1995) "Re - Inventing Democracy". London: Institute for social Inventions.
- 9- Conger, Stuart (1974) "Social Inventions, ottawa". Information Canada , p.9ff.
- 10- Fairweather, George (1974) "Social Change: the challenge to Survival". moristown, New Jersey: General Learning Press.
- 11- Jungk, Dr Robert (1987) "Future Workshops". London: Institute for social Inventions.
- 12- Kohr, professor Leopold (1986) "The Breakdown of Nations". London: Routledge and Kegan Paul.
- 13- Yeats, W. B. (1965) "The Collected Poems of W. B. Years". London: Macmillan; p.385: "The Great Day".